

ریشه‌های تفکر داعش (۶) تاریخچه، نگاه‌های فقهی و استدلالات

ریشه‌های تفکر داعش (۶) تاریخچه، نگاه‌های فقهی و استدلالات

داعش یا سازمان دولت، از جهت استراتژی اجرایی و کارکردی با القاعده و سلفیسم تفاوت دارد. زیرا سازمان‌های سلفی غالباً تلاش دارند وضعیتی قابل قبول ایجاد کنند و حکومتی بسازند که دارای مقبولیت جهانی باشد، بر خلاف سازمان داعش که مخالف این تفکر است و به خود به مثابه دولتی نگاه می‌کند که زمین و مکان را کم دارد

خط مشی فکری سازمان (ادامه)

حدیث شبیخون زدن و دغلکاری

حدیث شبیخون و دغلکاری را ائمه اهل بیت رد کرده‌اند. از عباد بن صهیب منقول است که گفت: رسول خدا هیچگاه به هیچ دشمنی شبیخون نزد. (الوسائل، ج 15، ص 63) و یحیی بن علاء از اباعبد الله نقل کرده است که: امام علی نمی‌جنگید تا اینکه خورشید غروب کند و می‌فرمود: درهای آسمان باز می‌شود، رحمت رو می‌آورد و پیروزی نازل می‌شود و می‌گفت: این زمان، به شب نزدیکتر است و شایسته است که کشتار کم شود، طالب جنگ بازگردد و شکست خورده نجات پیدا کند. (الوسائل، ج 15، ص 63 - باب کراهت شبیخون زدن به دشمن). اسلام از کشتن زنان و کودکان نهی کرده است. در الوسائل بابی [است] تحت عنوان (باب عدم جواز قتل زن، علیل، کور، پیر، مجنون و فرزندان اهل جنگ). در این باب از حفص بن غیاث روایت شده که از اباعبد الله در مورد زنان پرسید که چگونه پرداخت جزیه از آنان ساقط شده است؟ امام فرمودند: زیرا پیغمبر از قتل زنان و فرزندان به هنگام جنگ نهی فرمودند مگر اینکه آنان وارد پیکار شوند پس اگر پیکار کردی، تا می‌توانی دست از زنان بکشی پس وقتی که پیغمبر از کشتن زنان در بحبوحه جنگ نهی کرده است بنابراین در خانه اسلام، نکشتنشان اولی و سزاوارتر است. (الوسائل، ج 15 ص 64)

صاحب الریاض گفته است:

بدون هیچ اختلافی قتل زنان جایز نیست هر چند که همکاری کنند و همچنین دیوانگان، کودکان و پیر فرتوت و در المنتهی در مورد بچه ها نیز اجماع وجود دارد و این حجت است علاوه بر متون عام و خاص جامع. (ج 7 ص 507)

و در جواهر گفته شده است 21: 74:

«قتل دیوانه‌ها، کودکان و زنان جائز نیست هر چند که با وجود اضطرار، زنان آنان را یاری کنند. من بی هیچ اختلافی آن را یافته و حتی در المنتهی در مورد زنان و کودکان و بلکه در مورد قتل زنان با وجود اضطرار، اجماع وجود دارد. علاوه بر آنچه که من از خبر جمیل و شمالی و... شنیده‌ام، بلکه جمهور از انس بن مالک روایت کرده‌اند که پیغمبر فرمودند: با نام خدا، به کمک خدا و با اعتقاد به دین رسول الله حرکت کنید و پیر فرتوت، کودک و زن را نکشید. همچنانکه در این روایت از ابن عباس نقل است که پیغمبر از کنار زنی که در جنگ خندق کشته شد، گذشتند و فرمودند: چه کسی این زن را به قتل رسانده؟ مردی گفت: من، ای رسول خدا - فرمودند: چرا؟ گفت: با شمشیرم جنگید، پس پیغمبر سکوت کردند.»

این سخن در مورد کفار حربی است که با مسلمانان می‌جنگند اما سلفیسم جهادی - پیروان زرقاوی - مسلمانان را به ناحق و بر خلاف آیات و روایات دین اسلام و شرع مطهر تکفیر می‌کنند. حرمت خون مسلمان، ثابت است و ریختن آن به هر شکلی که باشد نه درست است و نه جایز. بر اساس یک اجتهاد شخصی یا فکری منحرف، خون ریخته نمی‌شود. بنابراین در قتل و خونریزی آنها، مخالفت صریح با نص وجود دارد و به هیچ وجه من الوجوه جایز نیست.

۵- استراتژی اجرایی

داعش یا سازمان دولت، از جهت استراتژی اجرایی و کارکردی با القاعده و سلفیسم تفاوت دارد. زیرا سازمان‌های سلفی غالباً تلاش دارند وضعیتی قابل قبول ایجاد کنند و حکومتی بسازند که دارای مقبولیت جهانی باشد، بر خلاف سازمان داعش که مخالف این تفکر است و به خود به مثابه دولتی نگاه می‌کند که زمین و مکان را کم دارد.

آنان با جنگ و جهاد تنها به دنبال زمین هستند تا اندیشه خود را در آن اجرا کنند. از همین رو آنها جنگ و سلطه بر مناطق و به تبع آن تأسیس دولتی که تلاش دارد در داخل، منطقه و جهان مقبول باشد را نمی‌خواهند، بلکه معتقدند که آنها دولتی قائم بر تفکر و سازمان‌های خودشان هستند و زمین و زمان را کم دارند که اگر این دو حاصل شود، حکومت و دولت بی‌واسطه شکل می‌گیرد.

به همین دلیل، مشاهده می‌کنیم که سازمان دولت در اماکن تحت سیطره خود فوراً در فراهم کردن آب، برق، مواد غذایی و تأمین امنیت - طبق نظر خود-، تأسیس دادگاه و موسسات و ادارات حکومتی، از نقش دولت تقلید می‌کنند.

و این چیز است که اینها در آن با دیگر سازمان‌های جهادی موجود در منظومه سلفیسم تفاوت دارند و به همین دلیل بود که داعش، بیعت با طالبان را مردود دانست و معتقد بود ملا عمر و سازمان، بنا به دلایلی شایستگی خلافت و رهبری را ندارند؛ اولین دلیلشان، رویکرد طالبان به حکومت بود؛ تعامل و سازندگی با دید محدود و محدودیت استراتژی چگونه امکان‌پذیر خواهد بود؟ زیرا طالبان خود را در منطقه و سرزمینی معین محدود کرده و ایدئولوژی جامعی ندارد که هدفش تحقق بخشیدن به خلافت اسلامی در تمامی بلاد اسلامی است و نقطه آغاز این ایدئولوژی، جنگ با نیروهای اجنبی و همدستانشان است بر خلاف داعش که به زعم این سازمان در ابتدا جنگ خود را با مخالفان و در رأسشان شیعه و نصیری، مذاهب و اقلیت‌های دیگر آغاز کرد و سپس با صلیبیان کافر و... اعلام جنگ کرد و این چیزی است که القاعده، آن را نمی‌پذیرد و آن را شیوه و استراتژی صحیحی نمی‌داند.